



متن مصاحبه روزنامه شهروند کانادا با مینو همیلی در خصوص پناهجویان موسوم به شمال عراقی در ترکیه

مخالف حکومت جمهوری اسلامی بوده، کیس های علنی دارند و مطلقاً راه بازگشتی به ایران برای آنها وجود ندارد، اینها به شمال عراق گریخته بودند اما تحت تعقیب عوامل وزارت اطلاعات ایران قرار داشتند و حدود صد نفرشان در جریان سوء قصد های تروریستی رژیم ایران در شمال عراق جان خود را از دست دادند و در آنجا از حقوق انسانی و پناهندگی محروم بودند.، اوضاع سیاسی نظامی ۱۰-۱۲ سال اخیر عراق هم از شمال تا جنوب (فضا را برای اپوزسیون ایرانی تنگتر کرد و این فعالان به دلیل نا امنی و به امید رسیدن به مکانی امن برای خود و خانواده هایشان از عراق کنده شدند و طی سالهای ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ پای پسیاده و با سختی بسیار وارد ترکیه شده و به دفتر کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد در شهر مرزی "وان" پناه بردند.



مینو همیلی معاون دبیر سازمان سراسری پناهندگان ایرانی (بی موز) و مسئول کشورهای هم مرز
minoo_homayli@yahoo.com
Tel: 416 201 4316

شهروند: در خبرها خواندیم که اعتصاب غذای پناهجویان کرد در ترکیه پایان یافت و آنها از سازمان شما برای حمایت قدردانی کردند. لطفاً از سابقه این پناهجویان کمی برای ما بگوئید و اینسکه خواستهایشان چه بود؟

مینو همیلی: حدود چهار سال است که در کشور ترکیه ۱۲۰۰ پناهنده ی سیاسی کرد ایرانی که اکثریت آنان را زنان و کودکان تشکیل میدهند، در بلاتکلیفی و در بدترین شرایط زندگی میکنند، کمیساریای عالی پناهندگان کماکان از مسئولیتهای قانونی خود در قبال آنان شانه خالی میکند. این گروه از پناهندگان ایرانی از ماه ژانویه ۲۰۰۴ بر گره های قبولی سازمان ملل را دریافت کرده اند، اما از حقوق پناهندگی در "کنوانسیون ژنو" محرومند. UN تحت این عنوان غیر واقعی که "جابه جا شونده ها غیر قانونی" هستند و بدون مجوز قانونی از شمال عراق وارد ترکیه شده اند، از انتقال آنها به کشورهای پناهنده پذیر خودداری میکند این گروه از پناهندگان ایرانی در گذشته برای مدت های متفاوت از فعالین و اعضای احزاب مسلح کرد

بابک احدی، پناهجوی ایرانی در بریتانیا خودسوزی کرد آیا می توان به این تراژدی ها پایان داد؟

چشمان بهت زده آنان، خود را آتش میزند. بابک احدی اولین قربانی بیعدالتی این جهان وارونه نیست. این تاریخ (تاریخ پناهندگی) مملو از قربانیانی همچون بابک احدی و رامین خالقی (پناهجوی ۲۷ ساله ایرانی که در شهر لستر در هتل محل اقامتش خود کشتی کرد) و دهها و متأسفانه صدها انسان شریف در اقصی نقاط جهان از نیوزیلند و استرالیا گرفته تا سوئد و



بابک احدی

آلمان و هند و پاکستان و ترکیه و راههای دریایی و جنگلها، که جرمی جز فرار از دست وحوش اسلامی حاکم بر ایران و

بستگان و دوستان بابک و همه آنان که چنین وقایع و تراژدیهای قلبشان را آزار میدهد تسلیت میگوید و خود را در این اندوه شریک میدانند. بابک که ۳۳ سال داشت دو سال قبل خود را به بریتانیا رسانده بود و از وزارت کشور درخواست پناهندگی کرده بود. پروسه پناهندگی او به دادگاه کشیده میشود و در حین دادگاه نیز بر بیعدالتی ای که در دادگاه نیز حاکم است بدلیل کم توجهی و حتی لاقیدی محض قاضی به ادله خود و وکیل مدافعش میشود و در فاصله زمانی بسیار کوتاه برای زندگی اش تصمیم بغایت غیر انسانی گرفته میشود، برایش غیر قابل هضم بوده است. هنگامیکه نتیجه این حکم ناعادلانه و غیر مسئولانه قاضی را دریافت میکند، در نهایت ناباوری به آن برخورد میکند و آینده را در مقابل خود تاریک میبیند و به بنزین پناه میرود و در روز روشن در مقابل چشم هم خانه ای هایش و در مقابل



سعید آرمان

خبر کوتاه، اما تکان دهنده و دلخراش، روز ۴ ژوئیه بابک احدی پناهجوی ایرانی بعد از اینکه از دادگاهی که در بیستم ژوئن سال جاری برای او در برمنگهام تشکیل شد و به درخواست پناهندگی اش پاسخ منفی دادند و به طبع آن کلیه امکانات زیستی و مسکن را از دست میدهد، در محل زندگی اش در شهر "بریستول" اقدام به خودسوزی کرد و علیرغم تلاشهای زیاد روز بعد در بیمارستان این شهر جان باخت. سازمان سراسری پناهندگان ایرانی مرگ بابک احدی را به خانواده،

متن سخنرانی اسد نودینیان در جلسه سازمان سراسری پناهندگان در استکهلم بعد از آزادی قاسم افشار



حمایت قرار گرفت و خوشبختانه قاسم افشار بعد از ۶ روز در ۲۲ ژوئن آزاد گردید. اسد نودینیان از رهبری حزب حکمتمیست که یکی از سازماندهندگان این کمپین نیز بود در مراسمی که در "خانه مردم" (دفتر سازمان سراسری پناهندگان در استکهلم) بدین

در روز ۱۷ ژوئن قاسم افشار از فعالین سازمان سراسری در استکهلم در جریان تظاهراتی که در مقابل سفارت رژیم اسلامی ایران بود دستگیر شد. سازمان سراسری پناهندگان ایرانی و حزب حکمتمیست کمپین بین المللی را برای آزادی او سازمان دادند که از طرف شخصیتهای سیاسی مورد

از صفحه ۱ مینو همیلی
در اوائل ژوئن ۲۰۰۵ خیات قریش یکی از این پناهنده ها تصمیم گرفت علیرغم میل باطنی خود با به خطر انداختن جسم و جانش به وسیله اعتصاب غذا، به بلاتکلیفی و وضعیت ۱۲۰۰ نفر هم کیس و هم سرنوشت خود و لاقیدی یو ان اعتراض کند و رسماً مسئولیت کمپین اعتراضی خود را به من سپرد و خواست صدایش را به گوش مجامع بین المللی و مردم آزادیخواه برسانم، پس از او آزاد صلواتی و به تدریج تا ۱۱ ژوئیه ۶۱ نفر دیگر از شهرهای قهرمان، اسکی شهیر بیوزگات، افیون و وان ترکیه به این اعتصاب غذا پیوستند با اسامی: علی ترابی فیض الله زندی، کارو روشنی فرزاد حق پرست، حسن اندرزا، منصور خاللی، امید رستم گرجی، عبداللله شاهویسی، حسن محمودزاده، ژیل شهوری، پرویز نعمتی، آزاد صلواتی ناصر عنایتی، ابوبکر عزیز پناهنده، جامعی، ژیل کریمی، کمال جانعلی پور، ابوبکر قادری، ابوب امینی، گلاریژ فتاحی، فرهاد فتاحی، حسین فقیه، جمیل خطایی، سام فیضی، بیحیی صوفی، صید سعید صادقی، فریدین ساعد موچشی، حسن صالحی، خدامراد رستمی، جمال رضایی شورش رحمانی، وزیر رمضانسی، حسین رستمی، اسعد رحمانی، فتاح

رسولی، شهرام رستم زاده صباح رحمانی، عمر شادرو، مسعود صمدی، محمد رسولی، امید سلیمی، صالح باباب، حمزه شیخی، پیوستن رو به افزایش دیگر پناهندگان به اعتصاب غذای "وان" بیانگر ترس شدید این گروه از پناهندگان ایرانی در نزدیک شدن زمان اتمام دوره اقامت موقتشان در ترکیه و امکان دیپورتشان به ایران یا عراق بود چون قبلاً پلیس و وزارت کشور ترکیه به پناهندگان اعلام کرده بودند قبل از هرگونه اقدام دولت ترکیه خود آنها اقدام به ترک داوطلبانه خاک آن کشور کنند! طی ۴۰ روز اعتصاب غذا به حکم وکالتی که تعدادی از این عزیزان به من داده بودند به همراه آنان لحظات سختی را گذراندم هر روز و هر لحظه خبر بدی میشنیدم، یک نفر سکنه ناقص کرد و تعدادی به بیماریهای گوارشی، خونی و عصبی ... دچار شدند و هرروز که میگذاشت خطر از کار افتادن دستگاههای حساس بدنشان آنها را تهدید میکرد خواست های مطرح شده کمیته اعتصابیون عبارت بودند از: رسیدگی سریع به وضعیت معیشتی آنها ۲ به جریان انداختن سریع پرونده هایشان ۳ عمل به مفاد کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو در مورد این پناهندگان و اما عمده اقدامات ما: در این مدت سازمان سراسری پناهندگان ایرانی (بیمرز) با نگرانی تمام و جدیت کامل کیس

"موسوم به شمال عراق" را پیگیری کرده و به آن انرژی خاصی اختصاص داد از جمله: ۱- مراجعه به عفوی بین الملل در تورونتو به تاریخ ۶ ژوئن و نشست نسبتاً طولانی من و عزت ملکی عضو دبیرخانه سازمان سراسری پناهندگی در ۹ ژوئن با ۲ تن از کارمندان این سازمان به نامهای (لولی و ارونتاتی) ۲- تماس مکرر با "مرکز کانادایی حمایت از قربانیان شکنجه" Canadian Centre for Victims of Torture تلاش برای متقاعد کردن آنها برای دخالت و حمایت از اعتصاب کنندگان که سر انجام از طرف این نهاد ۲ نامه خطاب به مرکز عفوی بین الملل در انگلیس و یونان در سوئیس ارسال شد. این نامه ها به ایمیل لیست این سازمان که شامل ۲۵۰ سازمان و نهاد مدافع حقوق بشر میباشد، ارسال شده است. ۳- تماس های مکرر با پلیس شهر وان بخش خارجی و همچنین دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل در آنکارا و وان ۴- ملاقات سعید آرمان دبیر سازمان بیمرز و سام آزاد با مسئول بخش ترکیه سازمان عفوی بین الملل در لندن انگلیس ۵- مراجعه و تلفن واحدهای سازمان بیمرز به سفارت ترکیه و مصاحبه با میدیای مختلف از جمله رادیو themedialine با سام آزاد در انگلیس و رادیو تلاش از سوئد با ← ۴

مبارزات در عرصه پناهندگی

فاطمه خداپرست

وقتی صحبت از مبارزه به میان می آید و هر کس خود را آماده مبارزه ای برای اثبات حق گفتنش شروع می کند کارش را با چه شور و اشتیاقی انجام می دهد وقتی ما برای درست کردن قفسی با نقشه ایران برای اینکه ایران به مانند زندانی برای ۷۰ میلیون نفر است، شروع بکار کردیم با اینکه همگی پناهجو بودیم و خیلی از ما ناراحت موقعیتش بود ولی در این چند روز احساس جالب و نیروی مبارزه در ما آشکارا نمایان بود.

من زمانیکه نقشه ایران را می کشیدم دلم برای ایران تنگ بود ولی در عین حال که یاد زنان ایرانی که ۲۶ سال در زیر چادر با آن حکومت ضد زن مبارزه کردند، می افتادم بیشتر احساس مسئولیت می کردم برای آنکه به مبارزه خود با آن حکومت جبر و تروریست که در این سالیان بر ملت ایران سایه افکنده است، بیشتر و بیشتر ادامه دهم.

شور و اشتیاق بچه ها در ساخت قفس و شب بیداریها همه و همه خاطراتی است که هیچگاه فراموش شدنی نخواهد بود و بعد از سه روز کار متوال حالا نوبت آن بود که سه روز هم در این قفس بنشینیم و تحصن سه روزه داشته باشیم و ما زنان با پوشیدن چادر و حجاب اسلامی در این سه روز گرم و طاقت

فرسا جامعه ایران را به تمام دنیا نشان دادیم و بار دیگر طعم تلخ پوشش اجباری آن جامعه را با رهبرانی دیکتاتور چشیدیم و یاد زنانمان که چگونه با این اجبار و زور مبارزه می کنند را زنده کردیم.

تمام رهگنران سوئدی و تورستهای کشور سوئد از این کار ما تعریف و تمجید به عمل آوردند و مورد استقبال خیلی از آنان قرار گرفت و بیشتر انهایی که جامعه ایران را می شناختند از این کار ما پشتیبانی کرده و برای تمام ملت ایران خصوصاً زنان آن جامعه ارزوی آزادی و موفقیت نمودند.

یک تورست ایتالیایی در حالیکه عکسهای اعدام و قصاص را در نمایشگاه عکس و همینطور از زندانی به وسعت ایران را میگرفت چنان تحت تاثیر قرار گرفته بود که گفت اگر به ایتالیا باز گردم تمام این تصاویر را در رسانه های ایتالیا به نمایش خواهم گذاشت تا همه بر این جریانات در ایران واقف شوند.

من امیدوارم تمام پناهندگان با مبارزه خود در راه هدفشان به امید آزادی ایران از چنگال این رژیم دیکتاتور اسلامی در صحنه های این مبارزات شرکت کنند تا حق انسانی خود را برای تمام انسانهای آزادیخواه در ایران ادا کنند.

به امید آزادی و برابری مرگ بر جمهوری اسلامی

از صفحه ۱ بابک احدی

جایجا شدن از مرزها برای تامین امنیت جانی و یافتن سرپناهی امن و تامین زندگی شایسته انسان نداشته اند، میباید. تردیدی در نا عادلانه بودن سیستم ضد انسانی حاکم نیست، اما راه چاره چیست؟ آیا با خودسوزی و خودکشی یک یا چندین نفر به تراژدی هر روزه میتوان پایان داد؟ آیا با چنین روشهایی میتوان اداره مهاجرت و دادگاهها را به افزایش درصد پذیرش پناهجویان مجاب کرد و آنان را تحت فشار قرار داد و توجه مجامع بین المللی را بخود جلب کرد؟ و بسیاری سوالات اینچنینی. هنگامیکه برای حاکمین جنایتکار و قاتلان مردم از زیمبابوه تا آنگولا، از ایران و عراق تا اتیوپی و چین و

سودان و ترکیه و سایر کشورهای دیکتاتور و ناقض حقوق بشر در کشورهای غربی "پناهنده پذیر" فرش قرمز پهن میشود و قربانیان و فراریان این نظامهای نا عادلانه و استثمار گر و دیکتاتور را به محاکمه میکشاند و در دادگاه هایشان و در مصاحبه های فرمال وزارت مهاجرتشان رد میکنند و کابوس دیپورت را پیش رویشان میگازارند، باید ما را بفکر راه حل های اساسی تربیاندازد. خودکشی و خودسوزی و خود زنی راه حل نیست. برای یک لحظه تصور کنید که هر گاه به کارگران ظلم میکنند و حقوقهای معوقه را پرداخت نمیکند و به روی زنان اسید میپاشند و آنان را از حقوق برابر با مردان محروم میکنند، و یا جوانان را در محله و دانشگاه از شادی و

آزادی و ابراز وجود سیاسی و اجتماعی محروم میکنند، آیا همه به خودکشی پناه میبرند و یا باید پناه ببرند؟! یا اینکه به فکر تشکل و اتحاد و مبارزه قاطع با کل سیستم نابرابر موجود میافتند و باید باشند. اتحادیه ها، انجمن ها و سازمانهای قدرتمندی را برای دفاع همه جانبه از خود تشکیل میدهند. پناهجویان نیز از این قاعده مستثنی نیستند و نمیتوانند باشند. پناهجویان نیز میتوانند و باید متحد و متشکل بشوند و یا باید به سیستم و اجحافات تحقیر آمیزش تن داد و یا باید در مقابلش ایستاد و مبارزه کرد، شق دیگری وجود ندارد. خودسوزی و خودکشی از سر استیصال و ضعف و عدم باور به اتحاد و مبارزه دستجمعی است. دیر یا زود باید بر این ضعف فائق بیاییم

تا دیگر شاهد چنین تراژدیهایی نباشیم. اتحاد و مبارزه به ما نیرو میدهد، افق میدهد و میزان تراژدیهای کنونی را به صفر یا حد اقل میرساند. به اطراف خود نگاهی بیاندازیم، جنبش انسانگرا در این جوامع علیرغم تعرضات رژیمهای حاکم به بهانه های مختلف و تضعیف آن، هنوز مادام اینکه خود ما متشکل و متحد بمیدان بیاییم و خود را به این جنبش متصل بکنیم و بعنوان بخش لاینفک آن بدانیم، میتوانیم با بسیاری از بیعدالتیها و اجحافات و دیپورتها و دست رد به سینه ها را عقب راند و راه پیشرویهایی بیشتری را هموار کرد تا دیگر شاهد از دست دادن بابک ها نباشیم. فلسفه وجودی سازمان سراسری پناهندگان ایرانی پایان دادن به چنین

تراژدیهای انسانی به نیروی خود پناهجو، مردم آزادیخواه و انساندوست این جوامع و نهادها و سازمانهای مدافع حقوق مدنی است. باید به این صف انسانگرا ملحق شد و در هر کشوری که هستیم و در هر بازداشتگاه و هاستل و هابیمی که زندگی میکنیم برای دفاع همه جانبه از خود و برای یک مقابله جدی سازمان خود را بعنوان ابزار جنگ خود درست بکنیم. حمایتهای همه جانبه و بی وقفه ما را در هر کجای جهان هستید همراه خود دارید. ما نمیکشیم و نمیتوانیم و نباید بیش از این شاهد چنین تراژدیهایی باشیم.

سعید آرمان
دبیر سازمان سراسری پناهندگان ایرانی
۱۶ ژوئیه ۲۰۰۵

حسن و
تراوت
سریان



هیجدهم تیر روز نابودی حکومت قرون وسطائی

از همان موقعی که موجودیت پلیس رژیم اسلامی آشکار شد تا به امروز چیزی جز سرکوب خفقان کشتار شکنجه بی رحمانه و وحشیانه ترور قتل عاید ما مردم ایران نشده است و ایران را به کانون فحشا فقر و مرکز ترور و آدم ربایی تبدیل کرده

است و با دیکتاتوری مذهب را اعمال میکند و از کسی خبر میدهد که يك روزی قرار است بیاید و بقیه جهان را در اسلام رهایی بخش (به قول خودشان) شریک کند. و از طرف دیگر مردم آزادیخواه و بیدار جامعه که جانشان به لبشان رسیده در طی این ۲۶ سال به خیابانها آمده اند و سعی و تلاش خود را برای سرنگونی این رژیم دیکتاتور و جنایتکار و ساختن يك

خودزنی و خودکشی مبارزه اش را ادامه دهد او بارها گفته است که زندگی را دوست دارد و به همین خاطر برایش مبارزه می کند. من از اینکه ایشان درخواست ما را پذیرفت ازشان تشکر میکنم. بایان اعتصاب غذا قاسم افشار و بیرون آمدنش از زندان هنوز آغاز کاری است که ما ۲۶ سال است شرع کردیم. باید این ادعا نامه را باز در دست داشت و تکرار کنیم. حمایت برایش جلب کنیم در همین هفته آیند ما سه روز مرکز شهر را قرار است در دست داشته باشیم و در این سه روز باز می خواهیم همین ادعا نامه را تکرار کنیم. ابتکارات مختلفی را بکار خواهیم انداخت تا اعتراض زنان، جوانان، دانشجویان و کلا مردم معترض ایران را با صدای رسا بیان کنیم می خواهیم بگویم پایان کارمان نیست بلکه ادامه کارمان است و اینجا از تك تك شما درخواست شرکت فعال را دارم. امروز ما زیر این سقف قدرتمان را می دانیم. می دانیم که اگر قانون دست مانیست تا تصمیمات را ما بگیریم اما قدرتی را هم داریم که با آن قانون را تغییر یا به عقب نشینی وادار کنیم. می دانیم وقتی اینجا میانیم دیگر تك تك انسانهایی نیستیم که خود را تنها در مقابل کوهی از مشکلات ببینیم. اینجا کمترین چیزی که داریم همدلی، اتحاد و همیاری است غمها و شادیهایمان را با هم تقسیم می کنیم و يك دل می شویم. برای صفی متحدر، برای مطالبه حقوق انسانیمان مبارزاتمان را گسترده تر کنیم. از همین فردا میشینیم برنامه ها و ابتکاراتمان را برای این سه روز روی هم می ریزیم و با روحیه ای شاد به این جامعه نشان می دهیم که ادعانامه ما برحق است. رژیم اسلامی باید برود و جامعه ای برابر و انسانی شایسته مردم ایران است.

کند احترام قائل نیستیم و تا آنجا که بتوانیم این قانون را زیر پا می گذارم. فردا اگر من را به دادگاه ببرند آنجا هم این ادعا را می کنم و خواهم گفت که دارم از حقوقم دفاع می کنم. این ادعانامه را از ۲۶ سال پیش از روز اول سرکار آمدن این رژیم با "نه" گفتیم به آن ابراز داشته ام و ۱۳ سال است در همین جامعه و جلوسفارت آنها بارها گفته ام که این لانه جاسوسی باید بسته شود. بهرحال می خواهم بگویم در چنین حرکتی که شرکت کردیم افتخار بزرگی بود. این افتخار در مبارزات مردم ایران ثبت می شود و شماها از این افتخارتان دفاع کردید. قاسم افشار در زندان این را در مقابل دوربین تلویزیون و رادیوها گفت که من برای تداوم مبارزه ام اعتصاب غذا کرده ام ما برای سلامتی جسمی افشار بشدت نگران بودیم. با حسام به دیدار رفیتم و در حضور مسئولین زندان از او خواستیم که به اعتصاب غذایش پایان دهد. او گفت خواسته تان را می پذیرم اما برای من که راه دیگری در چنین موقعیتی برای تداوم مبارزم وجود ندارد می پذیرم که اعتصابم را از خشک به اعتصاب غذای تر تبدیل کنم اما مادام که اینجام این راه تداوم مبارزه ام است ما علیرغم اینکه می دانید که کلا اعتصاب غذا را بعنوان روشی برای مبارزه مناسب نمی دانیم اما به خواست و ارده اش احترام گذاشتیم و تلاشمان را در جیتی گذاشتیم که فضای ایجاد شود که اونیز بتواند در شرایط دیگری به مبارزه اش ادامه دهد تا اعتصاب غذایش را پایان دهد و جا دارد که امروز که میان ماست و با فریادش می تواند اعتراضش را ادامه دهد به اعتصاب غذا پایان دهد. این را در مسیری که می آمدیم با وی طرح کردیم و خوشبختانه او نیز پذیرفت و همانگونه که در ابتدا نیز تاکید کرد که او کسی نیست که بخواهد با

کنیم کل اینها را می دانستم." انسانهایی را با خودمان داشتیم که می دانستند چرا آنجا بوده اند و بنظر من در کار عظیمی که پیش بردیم تمامی این عزیزان سهیم بودند و در خارج کشور در این دوران نمونه آن را فقط در کنفرانس برلین دیدیم که ما ادعا نامه مردم ایران را جلو جمهوری اسلامی پیش کشیدیم. مطمئنم اگر در ایران هم ۲۴ ساعت نیروهای مسلح این رژیم را از بالای سر این مردم بردارند این رژیم را از حیطه قدرت به زیر می کشند. این موقعیت برای مردم در ایران نیست با نیروها و دستگاههای سرکوبگری که این رژیم دارد با ممانعتی که همین دول غربی با این رژیم میکنند هنوز این موقعیت برای مبارزات سرنگونی طلبانه مردم ایجاد نشده است. این از اپوزیسیونی که در خارج کشور است و زیر فشار سرکوب این رژیم نیست می طلبد که چنین اقدامی کند و ارزش کاری مهمی را که دارد می کند را بفهمد و بداند این کوچکترین ادعا نامه خانواده یکصد هزار اعدامی است. این کوچکترین ادعا نامه خانوادهایبی است که دخترانشان را سنگسار کرده اند و این کوچکترین ادعا نامه جوانانی است که فقط بخاطر شادی و عشق زیر شلاق حرمت انسانیشان را در این جامعه پایمال کردند. ما صدای این ادعا نامه بودیم. بحثهای قانونی را جلومان گذاشتند من می گویم قوانینی در این جامعه هست که فکر می کنم باید رعایت نمود، و حتما رعایت می کنم اما قوانینی که به حقوق دیگران لطمه ای نزند به قوانین انسانی که بشریت این جامعه برای کسب آن تلاش کرده اند احترام می گذارم اما هر قانونی که بخواهد من را از ابراز ادعایم علیه يك لانه جاسوسی که ۲۶ سال است ۷۰ و چند میلیون انسان را در چنگ خود گرفته محدود کند به چنین قانونی که بخواهد از این دفاع

اما از همان دقایق اول با عکس این مسله روبرو شدم. در داخل همین جمع مصطفی جلالی پورا را دیدم که در همین لوکال تلفن را برداشت به این رادیو و آن رادیو زنگ زد و او که در جلسات خودمان هرگز ۱۰ دقیقه صحبت نمی کرد نیم ساعت و ۴۰ دقیقه سخنرانی کرد. او بدست و خیلی روشن از موضع يك معترض به موقعیتی که در جامعه ایران است از موضع کسی که آگاهانه در چنان حرکتی (شرکت در تظاهرات علیه مضحکه انتخاباتی) شرکت کرده در مقابل بحثهای "قانونی" که گردانندگان رادیوها یا کسانی که طرح کرده بودند از جمله تبلیغاتی که "این خشونت" غیر متمدنانه است و غیره با حرارت دفاع میکرد. اولین سخنان قاسم افشار را شنیدم کسی که بقول حسام منتظری در چند قدمی پله هوایما گذاشتنش اما آنجا نه از خودش بلکه از مبارزات مردم ایران دفاع نمود. او نه اعتصاب غذایش در رابطه با خودش بود و نه صحبتهایش حتی يك کلمه در دفاع از خودش، به سخنانش در رادیو پژواک و رادیوهای محلی گوش کنید، او نشان داد که یکی از رهبران جنبش اعتراضی این شهر علیه رژیم اسلامی است او با این حرکتش بار دیگر این قابلیت را نشان داد خیلی ها که در چنان شرایطی قرار میگیرند توقع کمک به خودشان را دارند، که این خیلی طبیعی و واقعی است و ایرادی ندارد حق اوست دست يك مجموعه ای که حق انسانیش را نمی فهمند گیر افتاده و باید از خودش دفاع بکنند اما افشار گفت اعتصاب غذا من به نشانه اعتراض به رژیم ایران و دفاع از مبارزات زندانیان سیاسی و مردم ایران است و از رادیوها در جواب تبلیغاتی که ما را بعنوان سازماندهندگان تظاهرات به بی مسئولیتی در قبال جان پناهجویان متهم می کردند، گفت "ما می دانستیم کجا می رویم و چکار می

از صفحه ۱ نودینیان
در طول این کمپین نهایت تلاش خود را برای آزادی قاسم افشار نمودند تبریک و خسته نباشید می گویم، روزهای سختی برای همگی ما بود و از طرفی خوشحال و خشنود از اینکه توانستیم ادعا نامه مردم ایران علیه مضحکه انتخابات را بلند کرده و این مضحکه را مختل نمائیم، جای خوشحالی همه ما بود. از طرف دیگر در جریان این حرکت موفق قاسم افشار عزیز به دام پلیس افتاده بود که نگرانی از دیپورت او ذهن و حواس همه ما را به خود مشغول کرد.
همانگونه که حسام منتظری هم گفت این ۵ روز دوران سختی برای ما بود. بنا به مسئولیتی که داشتیم اما شخصا از دقایق اول در جلو پلیس به تمام دوستانی که انجا بودند گفتم من شخصا نگران افشار نیستم چون او را در جای نگرفته اند که راحت بتوانند پس بفرستند و می دانستیم خیلی برای دولت سوئد سنگین تمام خواهد شد که کسی را جلو سفارت دولتی که به آن اعتراض کرده دستگیر و دیپورت بکنند. این دیگر نهایت زیر پا گذاشتن حقوق انسانی در اون جامعه است و همچنین چیزی نمی توانست و غیر ممکن بود که صورت بگیرد. ولی باز با وجود تمام اینها بر مسئولیتی که بر دوش تك تك ما و بخصوص خودم من بود بنا به صحبتهایی در آن روز که تاکید می کردم به درست در جواب پلیس که می گفت اینجا را ترک کنید بر ماندن در آنجا پا فشاری می کردم و پلیس را مورد خطاب قرار می دادم که به چشمانم نگاه کن و می گفتم یکی از مدعیانی هستم که تعدادی از افراد خانواده ام را از دست داده ام و این ادعانامه را بلند می کردم. احساسم این بود این چه بار احساسی را بر دوش دیگران گذاشته که این آنها را به تصمیمی واداشته باشد که مطابق میلشان نبوده باشد.

از صفحه ۳ تا ۱۸ تیر

به هم پیوستگی گام برداریم. نه رفراوند و نه دخالت کشورهای بیگانه هیچکدام نمیتواند ما را نجات بدهد فقط ما مردم آزادیخواه ایران هستیم که میتوانیم سرنوشت خود را عوض کنیم.

ما باید بتوانیم با این جنبش و سیع و گسترده جامعه خود را به سوی روشنی و آزادی و سرنوشتی این رژیم جنایتکار سوق بدهیم.

وامسال هم در ۱۸ تیر ما به فراخان تعدادی از سازمانها و انجمنها و خانه های پناهندگان مالمو در سوئد که

خواستار برگزاری تظاهرات در شهر استکهلم بودند جواب مثبت دادیم و در این تظاهرات ۳ روزه که در استکهلم برگزار شده بود شرکت کردیم و با شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی ایران و مرگ بر دیکتاتوری آخوندی در میدان سرگل بار دیگر نشان دادیم فرزندان آزادیخواه و دمکرات جوی ایران هنوز زنده هستند و بر علیه رژیم جنایتکار به مبارزات خود تا آزادی کامل میهن ادامه خواهند داد.

زنده باد آزادی و برابری

مرگ بر جمهوری اسلامی

از صفحه ۲ مینو همیلی

نماینده سازمان محمد محمدی در ترکیه

۶- کمک به انتشار اخبار مربوط به اعتصابیون و در اختیار گذاشتن سایت و نشریه بیمرز به این امر مهم ۷- ارسال نامه اعتراضی به صلیب سرخ جهانی در مقطعی که امنیت پلیس ترکیه از کمک رسانی پزشکی به افرادی که بیهوش و بد حال میشدند معانت میکرد.

۸- کوشش برای متقاعد کردن اعتصابیون در مورد پایان دادن به اعتصاب غذا

شهروند: آیا پایان اعتصاب غذا با قول مساعد مسئولان سازمان ملل انجام شد و یا به دلیل خطراتی که ادامه آن در پی داشت؟

مینو همیلی: یونان ترکیه نه از سر خیرخواهی بلکه به دلیل یک سلسله اعتراضات و فشارهای بین المللی شامل اعتصاب غذا و تحصن هر روزه پناهندگان در جلو UN و اعتراضات برخی از سازمانهای سیاسی و سازمانهای حقوق بشری و کمپین سراسری سازمان بیمرز حتماً مجبور شده قول های بدهد، اساساً به نظر من UN ناچار به بازنگری این کیس شده و نمیتواند از کنار آن براهتی بگذرد و باید در تصمیم گیری بر روی این کیس تغییراتی بدهد و تجدید نظر کند، اما سرعت و کیفیت این تصمیم گیری به اشکال درست مبارزه، اتحاد و همبستگی پناهجویان ایرانی موسوم به کیس شمال عراق، پراتیک، جدیت، درجه تلاش و پیگیری همه ما بستگی دارد چون تجربه مخصوصاً در این مورد نشان داده است که UN ظرفیت عمل نکردن به تعهدات سیاسی، اخلاقی و حتی کتبی خود را دارد.

اطلاعیه شواری پناهندگان ایرانی - بلژیک

به منظور رسیدگی بهتر به وضعیت پرونده های پناهجویان یک گروهی با حضور تیم وکلا، کمیته دانشجویی در سالن اجتماعات کلیسای مینیم در شهر بروکسل برگزار میشود از کلیه پناهجویان دعوت میکنیم که در این گردهمایی شرکت کنند. لازم به توضیح است در هنگام حضور خود در این گردهمایی وضعیت پرونده خود را همراه داشته باشید.

زمان: روز شنبه ۲۳ ژوئیه ۲۰۰۵

ساعت: ۱۵:۳۰

مکان: سالن اجتماعات کلیسای مینیم در بروکسل

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره های زیر تماس بگیرید

کیوان آذری ۰۴۸۴۷۴۷۳۱۱

سعید نیکزاد ۰۴۸۴۱۶۰۱۷۷

مبارزه علیه جمهوری اسلامی کرده اند و از این هم فراتر جمع وسیعی از آنان زنان و کودکانی هستند که زندگیشان به تباهی کشیده شده است، باید بدون قید و شرط از آنان دفاع کرد و در این مسیر کارهای زیادی میشود انجام داد مثلاً شرکت در پیکت های اعتراضی که سازمان بیمرز یا هر سازمان دیگری در هر کشوری راه بیندازد.

تماس با خود پناهندگان ایرانی موسوم به کیس شمال عراق و کمک فکری، مادی و معنوی به آنان
dyaar_65@yahoo.com
0090 555 297 2018
panahjoy@yahoo.com
0090 555 206 6518

فرستادن نامه های حمایتی به

Amnesty -
International 1 Easton
Street London
WC1X 0DW
United Kingdom.
2-United Nations High
Commissioner for
Refugees
Case Postal 2500 CH,
1211 Geneva 2-Depot,
Switzerland.
3 Sancak Mah. 12
Cadde 212 Sokak NO 3
06550
cancaya, Ankara, Turk
E-mail: turan@unhcr.ch
Fax: 0090 312 441
2173
2592

کمک مالی به سازمان بیمرز در این شرایط حساس برای اعزام هرچه سریعتر هیئتی به ترکیه، اگر هرکدام از ایرانیان حتی ۱۰٪ به ما کمک کنند ما میتوانیم در اولین فرصت این مهم را عمل کنیم.

شماره حساب: ۰۸۵۰۸۳۳۲۴
۰۶۶۲ رویال بانک تورنتو

من از مردم تقاضا میکنم در صورت امکان یک نسخه از نامه های خود را برای ما نیز بفرستند، با تشکر از شما به خاطر وقتی که در اختیار من گذاشتید

این کمپین را گسترش دهیم و نهادهای بیشتری از جمله اتحادیه های کارگری و احزاب چپ را برای جلب حمایت درگیر کنیم ما دست به یک اعتراض گسترده تر خواهیم زد، این مبارزه وارد فاز جدیدی شده است اکنون به یمن تلاش تاکنونی سازمانهای متعدد، عفویین الملل، نهادهای حقوق بشر در ترکیه و سایر کشورها و در دستور کار گذاشتن کمپین جهانی از طرف سازمان ما بمنظور دفاع بی قید و شرط از این کیس بر این باوریم که توازن قوا تغییرات قابل ملاحظه ای کرده است و به نفع ماست.

حرکتی را شروع کردیم و این حرکت خود فریبی نیست، پشت این مبارزه اکنون به جنبش انسانگرایانه گرم است ما اشخاص و نهادهای بشر دوست از جمله عفویین الملل، ژنو، صلیب سرخ و مرکز قربانیان شکنجه در کانادا و... در درگیر کردیم، ما از طریق امنستی در لندن مطلع شدیم امنستی و چهار سازمان بشر دوست در ترکیه در تاریخ ۲۹ ژوئن با UN بر سر این کیس نشست داشته اند و به احتمال خیلی زیاد هیئتی از سازمان پناهندگان ایرانی (بیمرز) در آینده نزدیک به ترکیه خواهد رفت.

شهروند: ایرانیان سراسر دنیا چگونه میتوانند در جهت تغییر وضعیت اسف بار این پناهندگان قدمی بردارند؟

مینو همیلی: آنان که بویی از انسانیت برده باشند میتوانند با تمام وجود وضعیت این ۱۲۰۰ انسان را درک بکنند، از نظر ما نباید گذاشت بیش از این زندگیشان تباه شود، اینها خیل عظیمی از انسانهای شریفی هستند که سالهای زیاد از زندگی خود را با هر گرایش فکری که داشته اند وقف

صد البته خطرات این اعتصاب غذای طولانی دلیل دیگر اعلام پایان اعتصاب غذا بوده است، در طول اعتصاب دست اندرکاران سازمان بیمرز با اعتصابیون مدام در تماس بودند و با نگرانی اوضاع جسمی آنها را تعقیب میکردیم، ضمناً بر این هم واقف بودیم که آن عزیزان در چه شرایطی اجباراً به چنین اقدامی دست زده اند و بجای سرزنش کردن به حمایت همه جانبه از آنها پرداختیم و در عین حال از ابتدای امر اعلام کردیم این شیوه از مبارزه و آسیب رساندن به جسم و جان را درست نمیدانیم و بر بهترین روشهای مبارزاتی اصرار داشتیم، منظوری این است که چون اشکال مبارزه دیگران را برسمیت میشناسیم آنها را در آن سنگر تنها نگذاشتیم اما از لحاظ انسانی حتی به خاطر رسیدن به هدف نمیتوانستیم شاهد از دست دادن یک نفر از آنان باشیم و نمیخواستیم کسی یا کسانی پلی شوند برای رسیدن به موفقیت، بنابراین ما تلاش کردیم این عزیزان را قانع کنیم تا به اعتصابشان پایان دهند.

شهروند: در این مرحله این پناهجویان میخواهند چه اقدامات دیگری انجام دهند؟

مینو همیلی: آنها رسماً اعلام کردند تا زمان تعیین شده ۱۱ ژوئیه ۲۰۰۵ که UNHCR بتواند در سیاستهای بازنگری نماید ضمن تحصن روزانه در مقابل دفاتر آن کمیساریا در ترکیه به اعتراضات خود ادامه خواهند داد و در صورت ترتیب اثر ندادن به خواستههایشان مطمئناً حرکتهای اعتراضی شدیدتری در پیش خواهند گرفت!

تا آنجا که به سازمان بیمرز و شخص من برمیگردد ما متعهد شده ایم که

دبیر: سعید آرمان

Saeed arman2002@yahoo.co.uk

تلفن:

۰۰۴۴۷۷۹۱۰۸۹۴۸۷

مسؤل امور مالی

لادن داور

معاونین دبیر

مینو همیلی

minoo_homaili@yahoo.com

تلفن و فاکس

۰۰۱۴۱۶۲۰۱۴۳۱۶

سعید کرامت

keramat@sympatico.ca

تلفن: ۰۰۱۴۱۶۶۶۹۴۹۶۹۵

همکار سر دبیر:

اسماعیل خضری

smko1917@web.de

مشاور سیاسی دبیر

نریا شهابی

Soraya_shahabi@yahoo.com

واحد های کشوری و شهری

ترکیه: محمد محمدی

تلفن: ۰۰۹۰۵۵۵۲۰۵۴۳۰۱

mohammadi1917@yahoo.com

فنلاند: اسماعیل وایسی

تلفن: ۰۰۳۵۸۵۰۳۵۷۳۵۶۴

Esmail.waisi@mail.com

انگلستان: محسن ابراهیمی

تلفن: ۰۰۴۴۷۷۲۸۸۸۷۱۷

mohsen1244@hotmail.com

نروژ: غفار غلام وایسی

تلفن: ۰۰۳۵۸۵۰۳۵۷۳۵۶۴

Ghfar@chello.no

کانادا: مینو همیلی

Minoo_homaili@yahoo.com

سوئد: دبیر بهنام ارانی

روابط عمومی: پرنسنگ بهرامی

behnamarani@yahoo.se

استکهلم: حسام منتظری

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۶۵۵۸۱۷

samazad@hotmail.com

وسترس: پدی گلچینی

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۷۱۸۳۷۲

ygochini@yahoo.com

واحد شمال: غفور عباس نژاد

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۷۷۹۸۰۵۱

habibmoradi@hotmail.com

یوتوبوری: حسین مرادی

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۵۰۷۲۵۰۴

Hussein-moradi2001@yahoo.se

آلمان: دبیر لادن داور

Ladann_d@yahoo.com

کلن: مسعود قهرمانی

Masoud_arash2003@yahoo.de

هامبورگ: اسماعیل خضری

smko1977@web.de

حق پناهندگی برای همه